

صَلَم

۳۵

دانشگاه فرهنگیان | سال نهم
تیر ۱۴۰۰ | شماره سی و پنجم

ماهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

در این شماره می خوانیم:

- دیدار با رئیس جمهور آمریکا
- سناریو: دیدن این فیلم جرم است
- پازل گمشده
- از انتخابات تا استعفا!
- دبیرستانی به نام دانشگاه فرهنگیان

قربان علی سحیح



فهرست

- ۴..... پیامد؛ زندگی نرمال
- ۵..... رجعت سرخ؛ عرفه.....
- ۶..... مذاکره با رئیس جمهور آمریکا.....
- ۸..... نقطه ویرگول؛ بذار و ادامه بده.....
- ۹..... چالش‌های نظام تعلیم و تربیت در برابر جهانی شدن.....
- ۱۰..... سناریو؛ دیدن این فیلم جرم است!.....
- ۱۱..... پازل گمشده.....
- ۱۲..... از انتخابات تا استعفا!.....
- ۱۴..... زباله‌های فضایی.....
- ۱۵..... فناوری‌های نوین در کشاورزی پایدار.....
- ۱۶..... جایگاه رسانه در تربیت کودکان.....
- ۱۷..... جنگ رسانه‌ای.....
- ۱۸..... تئوری برابری.....
- ۱۹..... ایرانگرد؛ شهر ابهر.....
- ۲۰..... دبیرستانی به نام دانشگاه فرهنگیان.....
- ۲۱..... خداحافظ صنفی.....
- ۲۲..... موزون.....
- ۲۳..... امید باید باشد.....

قلم

دانشگاه فرهنگیان
تیر ۱۴۰۰/۳۵

◇ صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه

فرهنگیان آذربایجان شرقی

◇ مدیر مسئول: مهدی آبتین‌نیا

◇ سردبیر: علیرضا خدایی

◇ دبیران واحد فرهنگی - اجتماعی: سولماز

سیفی، محدثه محمدی

◇ دبیر واحد سیاسی: علی قناتی

◇ دبیر واحد تعلیم و تربیت: محمد نیک‌سرشت

◇ دبیر واحد صنفی - دانشجویی: لیلا ابوطالبی

◇ دبیر واحد علمی: علی چوبدار پروین

◇ دبیر واحد فناوری - رسانه: محمد امین غالبی

◇ هیات تحریریه:

لیلا ابوطالبی، زهرا توحیدفام، محمدرضا

حسنی، زهرا خلفی، نگار رشیدی، فاطمه

السادات سیدنژاد، محمد شریفی، فاطمه

شمع‌سوزان، زهرا عابدی ابللو، محمد

امین غالبی، رضا غرایبی، وجیهه گوزلی،

علیرضا محمدی، لیلا مصطفایی، نازیلا

مظلوم، فاطمه موید، میرعلی نقی زاده،

فائزه ایمانی

◇ مدیر اجرایی: ثمین ایازلو

◇ طراح و صفحه آرا: علیرضا ابوالفتحی

◇ طرح جلد: علیرضا ابوالفتحی

◇ روابط عمومی و فضای مجازی: زهرا خلفی

◇ ویراستاران: فائزه ایمانی، فاطمه نوجوان

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

متفکران، سوداگران عرصه محاربه‌ی تهذیب و تسهیل اند.

خداوند منان را شاکریم که بار دیگر توفیق خدمت در جایگاه دیدگان مبارک شما گرامی‌ان را نصیب بندگان حقیرش نمود.

امیدواریم با سعی و تلاش بی‌وقفه تیم متفکر قلم، آنچه مقصود شما بزرگواران بوده را به جای آورده باشیم.

افتخار و مباهات نشریه قلم، اهمیت و بهای شما مخاطبان گرامی در تک تک جملات و کلمات آن است

نشریه قلم، با شما دغدغه‌مندان علم و ادب و تعلیم، قله‌های رفیع موفقیت را فتح خواهد نمود.



عید سعید قربان بر شما گرامیان
خجسته باد.

قلم در فضای مجازی

برای دسترسی به لینک‌ها در نسخه
الکترونیکی، بر روی لینک‌ها لمس کنید.

صفحه اینستاگرام قلم:

***instagram.com/
qalam_journal***



کانال تلگرامی قلم:

t.me/Qalam_Journal

برای وارد
شدن به
سایت روی
آدرس سایت
لمس کنید.



Qalamcfu.ir



پیلا مصطفایی آمد

#زندگی-نرمال

زندگی لوکس؟ مزایای حکومتی؟ رفاه و آرامش روانی؟ پشت پرده زندگی نرمال.

که منظور از زندگی نرمال و اسلامی از نظر نظام جمهوری چه بوده است؟ آزاده اندیشی، شجاعت، ایشار یا شاید عشق به وطن! پس چه شده که امروزه عده‌ای فکر می‌کنند اگر در اوج امکانات و آسایش باشند یعنی به زندگی نرمال رسیده‌اند؟ لطفاً لحظه‌ای درنگ کنید و نیم‌نگاهی به دور و بر خود بیندازید همه‌چیز آشفته به نظر می‌رسد نه؟! چند دقیقه‌ای به اخبار گوش دهید مطمئناً انتظار ندارید که چیزی جز مرگ، جنگ، بیماری و برخی شایعات غیرمنطقی بشنوید. بی‌درنگ این روند، بخشی از استراتژی محتوی مربوط به جریان‌های رسانه‌ای است که از آن برای نگاه‌داشتن تمرکز مردم روی این موضوعات استفاده می‌کنند؛ اما علاوه بر این‌ها حقایق بی‌نظیری از وضعیت کنونی جهان ما در پس این مسائل پیچیده پنهان شده است. تا زمانی که عشق به وطن، شجاعت، ایشار و... باشد زندگی نرمال هم نمایان خواهد شد. اگر قبول ندارید لطفاً برگردید و دوباره مفهوم زندگی نرمال را در دریچه‌های ذهن‌تان جستجو کنید! مکرراً می‌توانید ببینید مسیرهایی که در گذشته طی کرده‌ایم چه طور ما را به این نقطه رسانده که همه‌چیز را نابود و تخریب‌شده ببینیم؟ آیا اکنون زمان تغییر فرا نرسیده است؟!...

سلانه سلانه پله‌های رسیدن به حقیقت را طی می‌کنم اما حقیقت یا شایعه؟! می‌دانیم تبادل اندیشه و اطلاعات از اساسی‌ترین انگیزه‌های ارتباط افراد با یکدیگر است؛ اما در جریان این ارتباطات بخش قابل توجهی از شنیده‌ها، تحت عنوان شایعات رشد می‌یابند که باعث زوال عقل و فرسایش ذهن افراد می‌گردد. ظاهراً این روزها مرز میان حقیقت و شایعه رنگ و بوی چندانی با خود به همراه ندارد! اما سؤال اینجاست که چه طور میتوان از بین لایه‌های پنهان شایعه، به حقیقت پی برد؟ چه طور شده است که امروزه جمهوری اسلامی در صید صیادان بی‌اعتبار ساز نظام افتاده است؟ این روزها عده‌ای کیفیت زندگی در کشورهای شرقی و غربی را با ایران مقایسه کرده و عنوان زندگی نرمال را به آن نسبت می‌دهند. در این میان، عده‌ای با انتشار چندین عکس از زیبایی‌های کم‌نظیر ایران از معایب زندگی در غرب سخن می‌گویند. از سویی عده‌ای دیگر معتقدند که با نمایش چند بنای تاریخی یا اضافه کردن رنگ و لعاب به عکس‌ها نمی‌توان محرومیت و فشار زندگی را نادیده گرفت. حال بیایید از خود سؤال بپرسیم. زندگی نرمال فقط در امکانات رفاهی، سطح بهداشت، درآمد و... خلاصه می‌شود؟ یا دامن نرفته

ابعاد

و جوانب زندگی نرمال متناسب با عقاید و تفکرات هر بنی بشری در فضای مجازی به صورت هشتک استفرغ می‌شود. فردی که در اروپا چشم به جهان گشوده، ایده‌آل‌ها و معیارهای زندگی نرمال متفاوت‌تری با شخصی که در ایران متولد شده متصور می‌شود. بار سنگین زندگی در فضای حیاتی و حساس سرزمین پارس، ملاک‌های زندگی نرمال را خواه ناخواه به نفع خود تغییر می‌دهد. در جامعه امروز، حتی معنای آزادی و نرمال نیز مورد تهاجم قرار گرفته است. ما به‌عنوان ملتی متمدن ابتدا باید به معنای زندگی پی ببریم تا نرمال‌ش نیز معنا پیدا کند.



فضای مجازی

یوم عرفه

جمعه ۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰

عرفه

و جیهه گوزلی

گشته یافتن خداوند در پسا پس این روزهایی که دنیازدگی‌ها جای خدا را گرفته‌اند حال من، حال همان پرنده روسیاهی است که بر سر در آشیانه‌ات آمده و آب و غذا می‌خواهد این بار نه برای جسمش بلکه برای روح رنج دیده‌اش.

اینک من در همان حالت بی‌قراری قرار گرفته‌ام و تویی که باران رحمت در یوم العرفه بر بندگان می‌بارد، اما معبودم، منی که در فرط گناه غرق شده‌ام نمی‌توانم این روز را دریابم گناهانم چون پرده‌ای مقابل چشمانم و چون پنبه‌ای بر گوش‌هایم شده و اجازه نمی‌دهند که صدای (اللهم انی اذُغِبُّ إِلَیک...) به گوشم برسد. دستم را بگیر من را ببر به همان جایی که آدمت را دعوت کردی و بردی، من را بنشان درست در همان جایی که او را نشاندی و یکی یکی به حرف‌هایش به اشک‌هایش به قسم‌هایش نگاه کردی و گوش فرا دادی، به من یاد بده توبه کردن را، بندگیت را، به من یاد بده پیدا کردن را نه در لابه‌لای زندگی بلکه در قطره اشکی که از چشمانم جاری می‌کنی

دستم را بگیر تا دلم قرص شود که دیگر پاک شده‌ام مثل همان پرنده‌ای که آزادانه پرواز به‌سوی آسمان می‌گشاید. ببخشای بر ما سفیدی و پاکی خالص از وجودت را

این روز را نقطه پایانی کن بر تمام ناامیدی‌ها، اندوه‌ها و نقطه وصلی میان معبود و بندگان همچون آخرین بند از ریشمانی که تک‌تک بندهایش را خودمان پاره کرده‌ایم.

الهی زیبایی نگاهت را ارزانی روزهایمان کن که بی‌گناه از آن‌ها بگذریم.

زیاد شنیده‌ایم این سخن را بنده‌ای که نتواند در شب قدر رضایت معبود را بر بخشش گناهانش بگیرد تنها فرصت باقی‌مانده عرفه است. گفته‌شده: حضرت آدم پس از ۴۰ روز دوری از جوار حق تعالی در حالیکه در حالت تضرع و زاری بودند جبرئیل امین بر ایشان نازل می‌شود و می‌فرماید: برخیز و به درگاه خداوند توبه کن و به‌سوی او بازگرد

سپس در نهم ذی‌الحجه او را به عرفات می‌برد و دعاها به او می‌آموزد تا خداوند توبه ایشان را بپذیرد و به سبب دعاها و تضرع و پشیمانی گناهان او بخشیده می‌شود

کنون حال ما، مایی که نه تنها یکبار بلکه چندین بار وارد مرزهای ممنوعه خداوند شده و بدون توجه به نگاه خداوند و تنها از سر لذت، سیب‌های ممنوعه را چیده و خورده‌ایم؛

بعد از آن احساس پشیمانی نکردیم که هیچ بلکه راهمان را کشیده و رفتیم؛ اما خدایی که در نگاه امام حسین در مناجات روز عرفه توصیف شده... (مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ) آن کس که تو را ندارد چه دارد؟ و آن کس که تو را پیدا کرد چه ندارد؟

نگاه متفاوت و عمیقی است میان عاشق و معشوق، دشوار

بارئیس آمریکا! دیدار جمهور خیر!!

محمد شریفی

اقتداری که با یک کلمه، قابل نمایان هست.

چندی پیش، از سید ابراهیم رئیسی سوالی شد؛ که آیا با آمریکا مذاکره خواهیم کرد؟!

در جواب، یک خیر با قاطعیت تمام دادند.

این همان نه هست؛ که خیلی از ما ها از گفتنش عاجز هستیم، خیلی ها به خاطر یک عکس یادگاری و مشهور بودن، تن به این ذلت و خفت می دهند و مذاکره را قبول می کنند.

ولی به چه بهایی؟؟

به بهای خفت!؟؟

که جز بیشتر شدن تحریم ها، سود و عایدی برای ما نداشت.

ما در همان زمان که با آمریکا مذاکره کردیم، متعهد شدیم که در قبال رفع محدودیت ها، جای سانتریفیوژها را پر کنیم و خودمان را محدود کنیم، این یک نوع خود تحریمی هست.

حالا که جای سانتریفیوژها، پر شدند با سیمان هایی از جنس خیانت و بی تدبیری، ولی الان که آمریکا به تعهد خود عمل نکرد، جواب فرزندان شهدای هسته ای چه میشود؟!

اگر جرأت نه گفتن (خیر) را داشتیم، الان وضع موجود این نبود. حالا به حول قوه الهی کسی پیدا شد که بگوید خیر!!!! که مطمئنا خیر و برکتی در این خیر هست.

این خیر، به نوعی موشکی بود در جواب آن No گفتن آقای بایدن به این که، آیا با این وضع و روی کار آمدن شما، وضع موجود با ایران خوب خواهد شد یا نه؟

موشکی از جنس اقتدار و قدرت، که در امتداد راه سلیمانی ها هست. در واقع خود آمریکا هم، به این نتیجه رسیده است که هیچ کاره است.

جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید، روز دوشنبه در واکنش به اظهارات سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور منتخب کشورمان، مبنی بر این که برنامه ای برای دیدار با جو بایدن رئیس جمهور

آمریکا ندارد، گفت: ما در حال حاضر هیچ روابط دیپلماتیکی با ایران و یا هیچ برنامه‌ای برای دیدار در سطح رهبران نداریم. دیدگاه ما در این باره این است که رهبر ایران تصمیم گیرنده است. تصمیم گیرنده‌ای در این زمینه وجود دارد و این موضوع تغییری نکرده است و او رهبر ایران است. بنابراین، ما تلاش خواهیم کرد، این مذاکرات دیپلماتیک را پیش ببریم، چون به نفع آمریکا و به نفع امنیت ملی مان است.

اقتداری که امروزه در منطقه داریم را مدیون همین نه (خیر) گفتن افرادی همچون سردار سرفراز اسلام، حاج قاسم سلیمانی‌ها هستیم که با وجود آن همه محبوبیت و شهرت در بین عام و خاص با شهامت، یک کلمه نه گفتند به حرص طمع و ریاست جمهوری که ماندند و اقتدار منطقه را حفظ کردند و خودشان تا قیامت، در یاد ما خواهند ماند.

رئیس‌جمهوری که در جهت موازی خط فکری رهبری حرکت کند، مطمئناً صلاح و مصلحت کشور را می‌خواهد.

کشور ما، ایران، به لحاظ بعضی مسائل، خیلی ظرفیت‌ها را دارد؛ ولی کسی که از این ظرفیت‌ها، استفاده بهینه را ببرد، ندارد و این، جز مدیری مدبّر و با اقتدار کسی را طلب نمی‌کند.

علاوه بر آن مدیر، نیروی جوان کارآمد، نیاز است. نیرویی که سرشار از انگیزه و هدف است. که با الگو قرار دادن تجربیات بزرگان، کشور را در جهت آماده سازی برای هرچه بهتر بودن و قوی‌تر بودن در منطقه و جهان می‌کند.

کشور ایران، از لحاظ منابع و معادن در دنیا، غنی ترین کشور است. از این لحاظ به ایران لقب (هارت لند) را داده اند. ولی چه کسی از این ذخایر و منابع استفاده می‌کند؟

به نظر شخصه، ما باید دنیا را تحریم کنیم، آمریکا را تحریم کنیم، اگر ما، همین تولید نفت در کشور را ذخیره کنیم و هیچ نفتی به دنیا صادر نکنیم؛ بعد از مدتی، دنیا به شدت به نفت ما محتاج خواهد بود. آمریکا با وجود این شرایط، هرچه در توان دارد؛ به خرید و ذخیره نفت اهتمام ورزیده است. ولی ما که صادر کننده نفت دنیا هستیم، وضع موجود، باعث دلسردی بعضی از مردم کشورمان می‌شود.

این تنها یک گوشه از منابع و ظرفیت ما هست. پس اندکی تأمل نیاز است!!

به امید روزی که مسئولان کشورمان، آنقدر دغدغه کشور داری داشته باشند که اقتدار ایران را در جهان، علاوه بر این که ثابت نگه دارند؛ بلکه باید افزایش هم بدهند. فقط باید جرأت نه (خیر) گفتن را داشته باشیم.





که به نوعی اون رو اذیت کردند یا وقتی
هانا به کمکشون نیاز داشته، بهش پشت
کردند» وقتی هانا بهشون نیاز داشته!
خودشه! این ایده‌ی متن قلم منه!

« یک سؤال پرسید، یک زندگی را نجات دهید. » این جمله‌ای هست که روی جلد کتابچه‌ی برنامه‌ی بتا (بیرس، ترغیب کن، ارجاع بده) نوشته شده. دفتر مشاوره و سلامت دانشگاه تهران، سال ۹۶ این کتاب ۴۸ صفحه‌ای رو منتشر کرده. کتابی که معتقدۀ اکثر کسانی که قصد خودکشی دارند معمولاً فکر و تصمیمشون رو به طور مستقیم یا با اشاراتی با اطرافیانشون در میون می‌ذارند و اگه بتا به موقع اجرا بشه می‌تونه زندگی اونا رو نجات بده. چطور؟ می‌دونستید این‌که کسی یهوایی تصمیم بگیره یک دارایی ارزشمندش رو به شما ببخشه نشونه‌ی خودکشیه؟ تا حالا فکر کردید اگه دانش‌آموزی بهتون بگه: « از زندگی خسته شدم! » شما فوراً باید برنامه‌ی بتا رو اجرا کنید؟ این کتاب رو از کانال تلگرام نشریه‌ی ما دانلود کنید، به یک دلیل ساده! چون شما معلم هستید و باید چیزهایی به‌جز انواع ارزشیابی و نظریه‌های یادگیری بلد باشید!



**برای دانلود کتاب برنامه بتا
روی تصویر کتاب لمس کنید.**

چی؟ شما از این حرکتا بلدی؟ مگه موضوعات این چنینی، چیزی نبود که باید برای قلم آماده می‌کردی؟ « می-خوام برگردم سر میزم و روی متن قلم کار کنم که کتابی بهم چشمک می‌زنه! » سیزده دلیل برای اینکه « اثر جی اشتر. چه اسم هوشمندانه‌ای! سیزده دلیل برای چی؟ خطاب به صدای درونیم می‌گم: « هنوز دو روز برای نشریه‌ی قلم وقت دارم! » و کتاب رو برمی‌دارم و به سمت میزم می‌رم.

« دختر او پسرا سلام. من هانا بیکر هستم و زنده با شما صحبت می‌کنم. هیچ بازگشتی در کار نیست. هیچی تکرار نمی‌شه و این دفعه قطعاً هیچ درخواستی ازتون ندارم. امیدوارم آماده باشین؛ چون می‌خوام داستان زندگی‌ام رو براتون تعریف کنم. دقیق‌تر بگم، دلیل این‌که چرا خودم رو کشتم. اگه دارین به این نوار گوش می‌دین، یعنی شما یکی از دلایل مرگ من بودین. »

نویسنده‌ها
زمانی از نقطه ویرگول استفاده
می‌کنند که می‌خواهند جمله‌ی
مستقل را تمام کنند؛ اما با آوردن
نقطه ویرگول ادامه می‌دهند.
شما نویسنده‌ی جمله‌ی
زندگی‌تان هستید!

کہ
حالا

تقریباً یخ زده، سر می‌کشم و
 باعجله صفحات بعدی کتاب
 رو می‌خورم. قهوه‌ی دیگه‌ای
 سفارش می‌دم تا بتونم صفحات بیشتری
 بخورم. هانا بیکر قبل از مرگش ۱۳ نوار
 کاست در مورد دلایل مرگش ضبط
 می‌کنه، تقریباً تو هر نوار در مورد یکی
 از همکلاسی‌هایش حرف می‌زنه، روی
 هر نوار رو با لاک آبی شماره می‌زنه و
 از دوستی می‌خواد که این نوارها رو به
 دست افرادی که در موردشون حرف زده
 برسونه و بعد؟ و بعد تن به مرگ می‌ده.
 قهوه‌ام تموم می‌شه و وقت رفتنه. وقتی
 دارم صورت حساب رو پرداخت می‌کنم
 فوراً تو گوگل اسم کتاب رو سرچ می‌کنم
 تا بخرمش. یه جایی تو توضیحات سایت
 نوشته: «نوارها در مورد کسانی هست



نقطہ ویراؤل

فاطمه مؤيد

بذار و ادا مده

منوی کتابچه مانند با جلد چرم
خوش‌رنگی رو از گارسون می‌گیرم و
زیر لب تشکر می‌کنم. چند بار الکل
به میز اسپری می‌کنم و بعد گوشی
و کیفم رو روی میز می‌ذارم. کمی روی
صندلی جابه‌جا می‌شم و به اطراف
نگاه می‌کنم. یه کافه‌ی زیبا و دنج
که به‌جای دکورهای مرسوم از کتاب
و گل‌ها برای دیزاین استفاده کرده.
ناخودآگاه بلند می‌شم و با ذوق به
سمت کتاب‌ها می‌رم. صدای درونم
می‌گه: «هی دختر! کجا؟ مگه قرار

نبود برای نشریه‌ی قلم دنبال موضوع بگردی؟ همه‌اش دو روز دیگر وقت داری! « قدم‌هام کمی سست می‌شن؛ اما جاذبه‌ی کتاب‌ها قوی‌تر از عذاب وجدان دیر تحویل دادن متنمه. مقابل کتابخونه قرار می‌گیرم. با دقت و کمی وسواس کتاب‌ها و نویسنده‌هاشون رو نگاه می‌کنم. صدای دختر میز بغلی حواسم رو پرت می‌کنه؛

- هی نگار اینجا روا نوشته کاپیتان تیم دانمارک، اریکسون رو نجات داده. وقتی اریکسون روی زمین میفته، کاپیتان بدنش رو طوری قرار می‌ده که مطمئن بشه راه هوایی اریکسون بازه و آماده‌ی پروسه‌ی احیای قلبی، ریویه.

و بعد فیلم لحظه‌ی مصدومیت اریکسون رو پخش می‌کنه. صدای درونی باز به سراغم می‌آد و می‌گه: «خب خانوم معلم! اگه کسی تو کلاس از حال رفت

چالش‌های نظام تعلیم و تربیت در برابر جهان‌شدن

نازیلا مظلوم



می‌باشند، به همین جهت این امر می‌تواند سبب شود زبان‌های دیگر از جمله زبان فارسی کارایی خود را از دست داده و دچار انحلال شوند.

نظام آموزش و پرورش ایران همانند دیگر نظام‌های آموزشی جهان در معرض فرایند جهانی‌شدن قرار گرفته است. لذا انتظار می‌رود تلاش نماید تا از فرصت‌هایی که جهانی‌شدن پیش روی نظام آموزشی قرار می‌دهد، بهترین استفاده را نموده و تدابیری جهت مقابله با چالش‌های آن اتخاذ کند تا بتواند علاوه بر حفظ هویت ملی و میراث فرهنگی، ویژگی‌ها و مهارت‌های فردی را نیز در دانش‌آموختگان رشد داده و آن‌ها را به شناخت فرهنگ‌های جهانی و نحوه ارتباط مؤثر با جهانیان قادر سازد.

مصوب نمایند و همواره باید در جهت ارتقای مهارت‌های خود تلاش نمایند.

اما با تمام این تفاسیر تهدیدهایی که جهانی‌شدن به فرهنگ و هویت ملی کشورها وارد می‌نماید انکارناپذیر می‌باشد.

در پدیده جهانی‌شدن مسئله تک فرهنگی مطرح می‌شود. فرهنگی که از سوی رسانه‌های جهانی غرب تبلیغ می‌شود و به مردم شیوه زندگی آن‌ها را دیکته می‌نماید و در حقیقت فرهنگ آمریکایی از این طریق در پی دست یافتن به رهبری ایدئولوژیک جهانی است. همین‌طور چنین فرهنگی به انسان نگاهی تک‌بعدی و مادی‌گرا دارد و در تضاد کامل با فرهنگ اسلامی ایران می‌باشد که به انسان فراتر از ماده و در ابعاد معنوی نیز می‌نگرد. درواقع در راستای این طرح گذشته افتخارآمیز ملت‌ها را از آن‌ها ربوده و در ذهن آن‌ها نسبت به آینده بی‌تفاوتی ایجاد می‌نمایند و ملت‌ها در حوزه‌های مختلف به پذیرش سلطه بیگانه تن می‌دهند.

همچنین از آنجاکه تمامی رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های ارتباطی جهانی در تسلط چند زبان خاص هستند و سایر زبان‌ها برای برقراری ارتباط با دیگران در سایر نقاط جهان مستلزم برقراری ارتباط با این زبان‌ها

از جمله فرآیندهای اجتناب‌ناپذیر در قرن حاضر که در ابعاد متعددی تعلیم و تربیت را دچار تغییر و تحول نموده است می‌توان به فرآیند جهانی‌شدن اشاره نمود، به همین جهت آگاهی نسبت به خصوصیت‌ها و آثار این فرایند بر آموزش و پرورش از وظایف اصلی هر نظام آموزشی می‌باشد. دیدگاه جهانی‌شدن فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای نظام آموزشی کشور ایجاد نموده است که با بهره‌گیری از فرصت‌ها و شناخت بهتر چالش‌ها می‌توان به اعتلای نظام تعلیم و تربیت در راستای جهانی‌شدن پرداخت.

جهانی‌شدن موجب نزدیکی بیشتر ملت‌ها از نظر اقتصادی و فرهنگی می‌گردد؛ و از طریق آن همکاری و رقابت جهانی در زمینه‌های مختلف ایجاد می‌شود. علاوه بر این در جهانی‌شدن تعلیم و تربیت بر ویژگی‌های منحصربه‌فردی همچون آموزش‌های زیست‌محیطی، حقوق شهروندی، مردم‌سالاری و مشارکت‌های اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده آن تأکید می‌شود که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته از جمله ایران به آن‌ها توجه کافی نمی‌شود. همچنین در اثر این پدیده اعضای جامعه می‌آموزند که نباید دانش خود را محدود به محیط آموزشی



دیدن این فیلم جرم است

Watching This Movie is a Crime
محمدرضا محمدی

دیدن این فیلم

علیرضا محمدی

فیلم (دیدن این فیلم جرم است) بازنمایی جدیدی از آزادی و انقلابی‌گری و آتش به اختیار بودن در برابر ناعدالتی و سلطه‌طلبی و اشرافی‌گری است. این فیلم که هم از نظر بصری و هم موضوع و بیان و چینش درست بازیگران، به یکی از جنجالی‌ترین و بهترین فیلم‌های چندسال اخیر سینمای ایران مبدل گشته است.

فیلم درباره ارزش‌های انقلاب و بازنمایی ارزش‌ها و مطالبات نسل جدید انقلاب است، این فیلم را می‌توان آژانس شیشه‌ای دوم نامید که البته تغییرات زیادی نسبت به نسخه حاتمی کیا رخ داده است. موضوع این فیلم که جنجال اصلی را در اکران این فیلم ایجاد کرد و تا مرز توقف و توقیف پیشبرد، درباره تجاوز یک دیپلمات خارجی به یک دختر ایرانی و حوادث و مطالبه‌گری و اتفاقات بعد از آن را شامل می‌شود. نکته فیلم هنگامی است که دیپلمات‌های ایرانی حتی قادر به احیای حق ناموس خود نبوده و از هیچ‌گونه بهانه‌جویی و سلب مسئولیت اغماض نمی‌کنند. در این فیلم ترس دیپلمات‌های بی‌کفایت ایرانی از یک مقام مسئول خارجی و کاهش ابهت عزت ملی، غیرت انقلابی و زیرپا گذاشتن آرمان‌های شهدا کاملاً مشهود است. در فیلم مذکور سوءاستفاده از مصونیت دیپلماتیک، خرد شدن غیرت و تضعیف شدن (تاحدودی) نظامیان در قبال سیاست، برتری شبه‌نظامیان بر غیرت دیپلماتیک ایرانی و در کل، ذلت و ضلالت جایگاه ملی در حوزه انتقام دیپلماتیک کاملاً مشهود و قابل لمس است.

دیدن این فیلم تجربه شگفت‌آوری برای هر جوان ایرانی خواهد بود هر جوان با دیدن این فیلم غرور و عزت و تحول‌طلبی را برای ۸۸ دقیقه حس خواهد کرد آزادی در این فیلم در گفتن سخنان جنجالی که حرف دل خیلی‌هاست ستودنی است در این فیلم به بهانه یک خارجی و هنجارشکنی آن، جبهه حق نظام در برابر جبهه ناحق که شامل اشرافیت‌گرایی و آقازاده‌ها هستند قد علم می‌کند و صدای عدالت و آزادی را سر می‌دهد، فیلم در راستای ادای وظیفه به سخنان رهبرمان می‌باشد. در جای‌جای فیلم شعر زیبای سهراب سپهری نمود پیدا می‌کند: جای مردان سیاست بنشانید درخت که هوا تازه شود...

از دیدن و تجربه این فیلم لذت کافی را خواهید برد و این فیلم شما را نسبت به خود و رسالت خود در این انقلاب به فکر فرو خواهد برد. شاید به گفته رهبر عزیزمان زمان آتش به اختیار شدن است.



برای تماشای فیلم [دیدن این فیلم جرم است] در فیلیمو روی آیکون فیلیمو لمس کنید.



به پسرانی که به بلوغ نرسیده بودند، آورده بود. ژنرال نه تنها جسمشان را بلعیده بود بلکه روحشان را نیز به بردگی خود گرفته بود. دختران در زندان جنسی که قذافی برایشان ساخته بود از ترس حتی نام او را نیز نمی توانستند بگویند فقط کافی بود بگویند او تا بقیه بدانند منظور کیست

یکی از دختران به نام ثریا که در ۱۵ سالگی به چنگال قذافی افتاد می گوید: من به اتاق دویدم و رفتم زیر دوش و ساعتها زیر دوش ماندم، مدام خودم را می شستم و گریه می کردم اصلاً نمی توانستم جلوی خودم را بگیرم، قذافی مجنون بود و آنجا تیمارستانی که حتی نمی خواستم یک لحظه آنجا بمانم خانواده ام را می خواستم، برادرانم را، زندگی قبلیم را اما چنین چیزی دیگر امکان پذیر نبود

قذافی مشهور بود به بادیکاردهای زن باکره ای که در سفرها همراهی اش می کردند معروف به راهبه های انقلابی که حتی آنان نیز از شهوت قذافی مصون نبودند. بعد از انقلاب لیبی خانواده یکی از قربانیان در پاسخ به سؤال که چرا از قذافی شکایت نکردید پاسخ تأمل برانگیزی داد: مثل این است که در جهنم باشی و بخواهی از شیطان شکایت کنی قربانیان جنسی حتی بعد از انقلاب نیز به زندگی عادی خود برنگشتند و به سرنوشت بدی دچار شدند آنان جایگاهی نزد خانواده خود نداشتند، حتی عده ای از آنان توسط خانواده خود برای حفظ آبرو به قتل رسیدند؛ و عده ای دیگر از تنها میراثی که قذافی برایشان گذاشته بود به امرارمعاش پرداختند، تن فروشی.



ژنرال

او در سال ۱۹۴۲ میلادی در خانواده ای فقیر در روستای جهنم در نزدیکی شهر سرت به دنیا آمد در کودکی به چوپانی می پرداخت، بعد از تحصیل ابتدایی و متوسطه وارد ارتش شد. او ۲۷ سال بیشتر نداشت که با کودتایی آسان در سال ۱۹۶۹ میلادی کنترل لیبی را به دست گرفت، درست حدس زدید این شخص کسی نیست جز مُعمر ابو منیار قذافی معروف به سرهنگ قذافی.

او به جاه طلبی و جنون قدرت مشهور بود تا جاییکه رویای رهبری قاره آفریقا را در سر می پروراند؛ حتی برای خود لقب شاه شاهان را برگزیده بود اما ما سعی داریم به قسمتی از تاریخ و سرگذشت قذافی بپردازیم که شاید تا حالا نخوانده باشید، اگر جرئت شنیدن این حقایق را دارید با ما همراه شوید!

بعد از مرگ معمر قذافی، طی بررسی و تحقیقات انقلابیون از مدارک به جا مانده در دژ باب العزیزیه، قذافی علاوه بر قدرت، به شهوت مفرط نیز جنون داشت. همچنین طی تفحص انقلابیون از مخفیگاه های کاخ حکومتی، به موارد هولناکی برخورد کردند که بیانگر اعتیاد جنسی شدید ژنرال بودند. در این بررسی ها کارتن های زیادی مملو از ابزار آلات جنسی، قرص های محرک، اتاق هایی مخصوص ارضای جنون جنسی معمر پیدا شدند. معمر قذافی دارای حرمسرای (باب العزیزیه) عریض و طویل بود که در نزدیکی شهر طرابلس قرار داشت، زنان باید به صورت نیمه برهنه در آن عبور و مرور می کردند.

ژنرال طبق مصاحبه با قربانیان که عمدتاً دخترانی نوجوان و جوان بودند عادت داشت وقتی به عنوان بازدید به مدرسه ای دخترانه می رفت، دختران بی گناه که با دید رهبر کشور به او نگاه می کردند در مدرسه حاضر شوند وقتی ژنرال دستش را بر سر دختری می کشید، دخترک نمی دانست که چه سرنوشت شومی در انتظار اوست او به دید فرزند به پدر به این عمل می نگریست درحالی که این نشانه ای برای رئیس تشریفات بود تا مراحل بعدی برای ناپدید کردن آن شخص را توسط گروه کاشفان موهبت ها انجام دهند؛ و وقتی کودک چشمانش را باز می کرد با صحنه ای هولناک روبه رو می گردید که حتی در کابوس هم این را ندیده بود او حالا عروسک جنسی ژنرال شده بود

در نتایج به دست آمده بود از تحقیقات ژنرال حتی به این هم راضی نبود و روی

برای دانلود رایگان کتاب
صونی حرمسرای قذافی روی
تصویر کتاب لمس کنید





محمد رضا حسینی

مورد توجه مسئولان قرار گرفت؛ طوری که چند تن از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به این موضوع ورود پیدا کرده و خواستار اصلاح ساختار بودجه‌ای دانشگاه فرهنگیان شدند که منجر به تشکیل جلسه هیئت امنای دانشگاه و اصلاح رویه مالی شد. پس از برگزاری جلسات متعدد و بحث و بررسی‌ها، طبق اظهار نظر آقای دکتر حاجی بابایی نماینده مردم همدان در مجلس شورای اسلامی، قرار به کسر حداکثر ۲۰ درصد از حقوق دانشجومعلم (در شرایط حضوری و اسکان دانشجو معلم در خوابگاه دانشگاه) شد. با توجه به اینکه هدف اصلی ما بر روی عدم کسر از حقوق برای هزینه‌های تحصیلی از سوی دانشگاه متمرکز بود؛ اما کاهش ۲۰ درصدی نیز می‌توانست زمینه‌ساز تحقق هدف اصلی ما باشد؛ اما در انتهای این تصمیم‌گیری‌ها متأسفانه مصوبه‌ای اعلام شد که موجبات نارضایتی دانشجومعلم و نماینده آن‌ها یعنی اعضای شورای صنفی را در برداشت؛ و در نهایت منجر به اعلام استعفا از سوی شوراهای صنفی پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان سراسر کشور به دلیل بی‌توجهی به متن مطالبه‌گری و درخواست آن‌ها شد. تصمیم هیئت امنای دانشگاه فرهنگیان، کسر ۲۰ درصدی از حقوق دانشجومعلم در همه ایام سال و در همه شرایط (اعم از حضوری و مجازی) شد. این تصمیم در حالی اتخاذ شد که پیشتر در ایام تابستان ۱۰ درصد از حقوق کسر می‌گردید و بسیار ناعادلانه و درخور اعتراض بود.

اما با این حال خوب است که یک ماشین حساب در دست گرفته و میزان کسر حقوق قبل از این اقدامات انجام‌شده و بعد از آن را محاسبه کنیم:

سال ۱۳۹۹ را می‌توان درخشان‌ترین و اثربخش‌ترین دوره برای شوراهای صنفی در مجموعه پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان دانست. با توجه به شیوع ویروس منحوس کرونا و تعطیلی دانشگاه‌ها، فرصت بیشتری برای اعضای این شورا فراهم شد تا به مطالبات کلی و عمومی دانشجومعلم بپردازند؛ که سال‌ها بود توسط اعضای محترم شوراهای قبلی مطرح و پیگیری شده بود؛ اما سرانجامی نداشت! چرا که با توجه به حضور دانشجویان در دانشگاه، اعضای این شورا می‌بایست علاوه بر موارد کلی و کشوری، به مشکلات درون دانشگاهی از جمله کیفیت غذا و خوابگاه و... نیز رسیدگی می‌کردند. حال به مواردی از فعالیت‌های شورا تا کنون اشاره می‌نمایم:

«کسر ناعادلانه ۴۵ درصدی از حقوق دانشجومعلم؛ از اعتراضات و مطالباتی است که از دیرباز مورد توجه و پیگیری دانشجومعلم بوده است. با توجه به زمینه و پیگیری‌هایی که از قبل وجود داشت، موج جدیدی از پیگیری‌ها و مطالبه‌گری‌ها از سوی شوراهای صنفی سراسر کشور در کنار دانشجومعلم راه افتاد؛ که جلسات و نامه‌نگاری‌های متعددی با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان مربوطه صورت گرفت و پویش‌های سراسری با پشتیبانی دانشجومعلم راه‌اندازی شد؛ طوری که شدت و حجم آن با اقدامات قبلی قابل قیاس نبود. طی پیگیری‌های مکرر صورت گرفته، موضوع کسر ۴۵ درصدی از حقوق دانشجومعلم

شورای صنفی



به سمت:
جلسه هیئت امنای
دانشگاه فرهنگیان

« با تصویب دریافت حداقل حقوق مصوب کشوری برای دانشجو معلمان، بندی و الف که منجر به افزایش حقوق بعد از فارغ التحصیلی می‌شد، حذف گردید. این موضوع از سال ۹۸ مورد انتقاد و مطالبه دانشجویان و نو معلمان بود که خوشبختانه در این سال تحصیلی با همراهی شوراهای صنفی و نو معلمان پیگیری شد و در نهایت دیوان عالی اداری، حکمی را به نفع نو معلمان صادر کرد که به زودی باید در حکم‌های حقوقی اعمال گردد.

« موارد درون دانشگاهی دیگری نیز توسط شورای صنفی پیگیری شد که می‌توان به بهبود وضعیت خوابگاه برای سال تحصیلی آینده در صورت حضوری شدن دانشگاه‌ها و همچنین افزایش سرعت سامانه lms در تایم کلاس‌ها و امتحانات اشاره نمود.

« در انتها خداوند را شاکریم که توانستیم در حد توان، نماینده خوبی برای مطالبات و درخواست‌های دانشجو معلمان باشیم و تمامی اقداماتمان از نام‌نویسی برای انتخابات تا استعفا بر این بود که صدای دانشجویان را به گوش مسئولین رسانیم و در راستای تحقق اهداف دانشجو معلمان گامی برداریم. استعفای دسته‌جمعی شوراهای صنفی نیز در سراسر کشور انعکاس خوبی را به همراه داشت؛ تا جایی که دکتر خنیفر، ریاست محترم دانشگاه به کمیسیون آموزش مجلس نامه‌ای تحریر نموده و خواستار برنامه‌ریزی برای حذف کسر حقوق از دانشجو معلمان شد. همچنین به مسئولین مربوطه این نکته را گوشزد می‌کرد که مواضع تغییرپذیر نبوده و نسل آینده آموزش و پرورش نسلی مطالبه‌گر است؛ که برای تحقق آرمان‌های سیستم آموزشی یک جامعه پیشرفته، تلاش خواهد کرد. در پایان از دانشجو معلمان عزیز پردیس علامه امینی (ره) به دلیل اعتمادی که در انتخاب ما کردند و همچنین همراهی‌هایی که در پیگیری‌های انجام‌شده با ما داشتند سپاسگزاری کرده و جا دارد که از زحمات آقایان سعادت پور، موسوی عربی، نقی زاده، آرین مهر، نصیبی و حافظی که در این دوره نهایت تلاش خود را کردند تا اهداف تعریف‌شده این شورا محقق شود؛ تشکر و قدردانی نمایم. از تمامی دوستان عزیز ضمن قدردانی خواهشمندم در صورتی که عملکرد ما را مطلوب ندانسته و یا موردی بوده که باعث آزردن خاطر از ما شده حلال و عفو فرمایند. به امید روزی که مشکلات دانشگاه فرهنگیان به حداقل ممکن برسد.

با در نظر گرفتن حکم دانشجو معلمان در سال ۱۴۰۰ یعنی مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان، در شرایط حضوری شدن دانشگاه (۴۵ درصد در ایام تحصیلی و ۱۰ درصد در تابستان) مبلغ ۱۵/۲۲۵/۰۰۰ تومان و در شرایط آموزش مجازی (۲۵ درصد در ایام تحصیلی و ۱۰ درصد در تابستان) مبلغ ۸/۹۲۵/۰۰۰ تومان می‌بایست سالیانه از حقوق دانشجو معلمان کسر گردد؛ اما با مصوبه جدید، سالیانه مبلغ ۸/۴۰۰/۰۰۰ تومان از حقوق دانشجو معلمان کسر می‌گردد. با این وجود مصوبه جدید نیز مورد قبول نبوده و معتقدیم باید پیگیری‌ها و مطالبه‌گری‌ها تا رسیدن این موضوع به صفر درصد ادامه یابد.

« کانال شورای صنفی پردیس علامه امینی در تلگرام تا قبل از سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی داشت؛ اما با تصمیم اعضای شورای صنفی در سال ۱۳۹۹ قرار شد از بستر کانال استفاده شود تا دانشجو معلمان حرف‌ها، مطالبات و شکایت‌های خودشان از اساتید، مسئولین دانشگاه و ... را به صراحت و بدون سانسور بیان کنند، به طوری که پیام ارسالی دانشجویان به کانال فوراً وارد میشد تا دانشجویان از انتقال کامل و بدون سانسور پیام‌های خود اطمینان داشته باشند و از طرفی اساتید و مسئولین نیز از صحت مطالبه‌گری انجام‌شده مطلع شوند. این اقدام در ابتدا موانع و فشارهایی از سمت افرادی که مورد انتقاد واقع می‌شدند برای ما به

همراه داشت؛ اما با مصمم بودن و به جان خریدن عواقب احتمالی آن، این امر ادامه یافت تا پاسخگو بودن به مطالبات و انتقادات دانشجو معلمان حداقل در مجموعه پردیس علامه امینی رواج یابد. تا آنجا که برخی از عوامل محترم دانشگاه از جمله جناب آقای دکتر سلطانی مسئول محترم آموزش پردیس، شخصا به پیام‌های دانشجویان جواب داده و در مواردی نیز شاهد پیگیری و تحقق درخواست‌های دانشجو معلمان از سوی اساتید و مسئولین بودیم.

« ایجاد فضای بانشاط و طرح‌ریزی برنامه‌های سرگرم‌کننده و مفید برای دانشجو معلمان در شرایط کرونایی، برنامه‌ای بود که در ایام انتخابات شورای صنفی از سوی حقیر و برخی از دوستان مطرح گردید. در مقابل برخی از دوستان با این بیان که «وعده‌ای بیش نیست!» نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند؛ اما با یاری خداوند و همراهی و پیگیری اعضای شورا، مسابقات و پویش‌هایی از سوی شورای صنفی در ایام مختلف از جمله روز دانشجو و شب یلدا برگزار شد که الحمدلله مورد استقبال دانشجویان عزیز قرار گرفت.



زباله های فضایی

زهرا عابدی ابلو

مشکلات ناشی از
قطعات ماهواره‌ای
باقی مانده در فضا

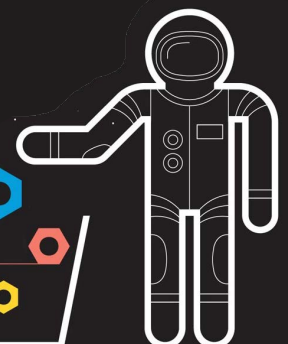
مشکلات ناشی از قطعات ماهواره‌ای
باقیمانده در فضا

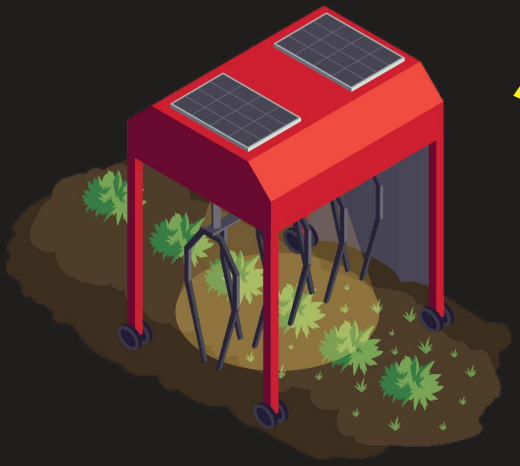
امروزه ماهواره‌ها نقش‌های مختلفی را در زندگی بشریت ایفا می‌کنند ماهواره‌ها به‌صورت گسترده برای ارتباطات، پخش برنامه‌های تلویزیونی، ناوبری و پیش‌بینی هواشناسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما چیزی که امروزه باعث نگرانی‌هایی شده است، قطعات باقی‌مانده در حال چرخش مأموریت‌های فضایی که در گذشته به فضا پرتاب شده‌اند و اکنون دیگر مأموریت آن‌ها تمام شده و هیچ کارایی ندارند. این قطعات در واقع بقایای فعالیت بشر در فضا است یا هر چیز دیگری که در مدار زمین رها شده و دیگر کاربردی ندارد و در مدار اطراف زمین به دام افتاده و آینده ما را در فضا تهدید می‌کند. از این قطعات به‌عنوان زباله‌های فضایی یاد می‌شود. با گذشت زمان، تعداد، جرم و مساحت این اجسام باقی‌مانده در فضا به‌طور پیوسته رشد می‌کند که این موضوع باعث اختلال در عملکرد ماهواره‌ها می‌شود.

یازدهم مه ۲۰۲۰ یک قطعه بزرگ از زباله‌های فضایی پس از عبور از آسمان لس‌آنجلس و پارک مرکزی شهر نیویورک، در اقیانوس اطلس سقوط کرد و این اتفاق زنگ خطری بود تا سازمان‌های فضایی برای زباله‌های رها شده در آسمان فکری بکنند. اتفاق مذکور برای سازمان‌های فضایی که مسیر ورود قطعه فلزی بزرگ به جو زمین را ردیابی می‌کردند چند ساعت پرتنش را ایجاد کرد و تا زمان نزدیک شدن به سطح زمین، هیچ سازمانی نتوانست محل برخورد آن را مشخص کند.

در پی این ماجراها سازمان ملل متحد بر اساس آخرین تصمیمات خود از همه شرکت‌های فضایی خواسته است ۲۵ سال پس از پرتاب ماهواره‌های مختلف به فضا و با پایان یافتن مأموریت آن‌ها، بقایای ماهواره از کار افتاده خود را جمع‌آوری کنند. البته باید توجه داشته باشیم که انجام چنین عملیاتی بسیار دشوار است و بسیاری از پروژه‌های جمع‌آوری زباله‌های فضایی تا امروز بی‌نتیجه باقی‌مانده است.

یکی از راه‌های از بین بردن زباله‌های فضایی تأثیر نیروی اصطکاک و برخورد شیمیایی جو زمین بر روی زباله‌های فضایی است. به‌گونه‌ای که اجسام با برخورد اصطکاک مداوم به جو گازی حول کره زمین، تحلیل می‌روند. بزرگ‌ترین زباله فضایی تاکنون پالت باتری ۲۹ تنی ایستگاه فضایی بین‌المللی است که در سال ۲۰۰۷ در فضا تخلیه و آزدسازی شد و طی ۴ سال در اثر برخورد مستمر با جو زمین از بین رفت.





فاطمه السادات سید نژاد

فناوری‌های نوین در جهت کشاورزی پایدار

تأثیر استفاده از فناوری‌های نوین، فناوری‌های مال و آینده در مسیر توسعه پایدار کشاورزی

می‌باشند: فناوری‌های سنجش از دور، مهندسی ژنتیک، روبات، هواپیماهای بدون سرنشین و کشت عمودی بدون خاک. البته باید توجه داشت که صنعت کشاورزی مسیری بسیار طولانی را تا رسیدن به این مرحله یعنی کشاورزی هوشمند طی کرده است. اگرچه هنوز کشاورزی به معنی واقعی و فراگیر، به شکل هوشمند درنیامده است اما با توجه به پیشرفت‌های فناوری، می‌توان پیش‌بینی کرد که در مدل هوشمند چه تغییراتی حاصل خواهد شد. اگر صنعت کشاورزی را از آغاز پیدایش ماشین‌های بسیار ابتدایی که در برداشت محصول مورد استفاده قرار می‌گرفتند، در نظر بگیریم، می‌توان مراحل دیگری را در جهت تکامل این ماشین‌ها و توسعه فناوری‌های کشاورزی را برشمرد. توسعه پایدار کشاورزی در ایران نیز نیازمند سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ‌سازی و ترویج کاربرد فناوری‌های نوین و پربازده است. عوامل مختلفی از جمله عدم آگاهی کشاورزان و ضعف اطلاع‌رسانی، منجر به عدم به‌کارگیری این‌گونه فناوری‌ها شده است. گسترش استفاده از فناوری‌های نوین در بخش کشاورزی ایران نیازمند برنامه‌ریزی‌های کلان جهت افزایش سطح سواد شاغلین این بخش؛ راه‌اندازی ایستگاه‌های ترویج و مشاوره در مراکز روستایی و تسهیل تأمین تسهیلات کم‌بهره، امکانات زیربنایی و خدماتی است؛ بنابراین نوین‌تر شدن اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی، میزان فاصله گرفتن از فعالیت‌های سنتی کشاورزی و منابع طبیعی را تشدید و مسیر کشاورزی دقیق را مهیاتر می‌کنند. در نهایت برای توسعه فناوری اطلاعات در نقش حفظ‌کننده و انتقال‌دهنده دانش‌های بومی بایستی در: مخابرات، اینترنت، کامپیوتر و... سرمایه‌گذاری کرد. همچنین به نقش ترویج تکنولوژی جدید که باعث پذیرش توسط کشاورز می‌شود، توجه بیشتری کرد.

روش‌ها و فنون کشاورزی همگام با توسعه سایر بخش‌ها در گذر زمان، ارتقاء یافته و از روند سنتی به مدرن و حتی فرا مدرن تبدیل شده‌اند. ولی این فرآیند در داخل کشور ما بسیار کند صورت گرفته و در اکثر مواقع با عدم پذیرش از سوی فعالین و متخصصین این حوزه مواجه شده است.

دنیای فناوری کشاورزی یا همان تکنو کشاورزی با سرعت زیادی در حال تغییر و تحول است. آمیختن فناوری باعث شده است که امور سخت کشاورزی به شیوه خودکار انجام شوند و کشاورزان دانش و بینش وسیع‌تری در خصوص محصولات خود به دست آورند. از این رو تکنولوژی همگام با نیازهای کشاورزی و محیط زیست در حال رشد و توسعه است. تجربیات کشورهای توسعه‌یافته نشان داده که کاربرد فناوری‌های نوین در عرصه کشاورزی نه تنها موجب افزایش عملکرد محصولات کشاورزی، تأمین نیاز و حفظ امنیت غذایی در آن‌ها شده بلکه با افزایش راندمان نهاده‌ها و کاهش مصرف بی‌رویه سم و کود، کشاورزی را به صرفه‌تر و معیشت کشاورزان را بهبود بخشیده است. در کنار مزایایی که فناوری می‌تواند برای تولیدکنندگان و کشاورزان داشته باشد، برای دولت‌ها نیز منافعی را به دنبال خواهد داشت. دگردیسی دیجیتال و توسعه فناوری‌ها، در تمامی بخش‌ها از جمله کشاورزی دارای تأثیرات شگرفی است که در ترغیب دولت‌ها در به‌کارگیری این فناوری‌ها و ابزارها بسیار مؤثر است. از جمله مزایایی که در نگرش دولت‌ها به استفاده از فناوری در صنعت کشاورزی نقش بسزایی دارند، عبارت‌اند از: کاهش قیمت تمام‌شده، افزایش صادرات به جهت افزایش تولید، کاهش نگرانی‌های ناشی از هدر رفتن منابع آبی در سیستم کشاورزی، رونق کشاورزی و کاهش سیر صعودی مهاجرت به شهرها و حفظ منابع زیست‌محیطی.

از جمله مهم‌ترین نوآوری‌هایی هم که در کشاورزی مدرن امروز به‌عنوان راهکارهایی اساسی برای حفظ امنیت غذایی بشر مطرح بوده و ضرورت توسعه آن‌ها در کشور با توجه به وضعیت موجود از لحاظ رشد جمعیت و کمبود دسترسی به منابع بیش از پیش احساس می‌شود، این موارد

75% READY



جایگاه رسانه‌ها در تربیت کودکان

میرعلی نقی زاده



امام خمینی (ره) می‌فرماید: «این دستگاه‌ها که مریبان فرهنگی جامعه امروزند، باید وسیله‌ی تربیت ملت باشند، یعنی نه تنها نباید با اشاعه ابتذال مانع رشد فرهنگی و ضد تربیتی شوند، بلکه باید مربی بوده و جامعه را تربیت کنند.» (صحیفه نور امام خمینی) روشن است که در این فرمایش امام راحل، منظور از دستگاه‌ها، رسانه‌ها می‌باشند.

کودکان ما امروزه در خانه‌ای پا به دنیا می‌گذارند که تلویزیون در آن به‌طور میانگین ۷ تا ۸ ساعت در روز روشن است. حالا دیگر بیش از آنکه از مادر بزرگ‌ها داستان و از پدر بزرگ‌ها خاطره بشنویم، این تلویزیون است که داستان‌های مربوط به انسان‌ها، زندگی و ارزش‌های آن را برای ما بیان می‌کند. تلویزیونی که می‌تواند دارای اثرات کاملاً مخرب باشد، می‌تواند به‌صورت ابزار مفیدی نیز در خدمت تعلیم و تربیت درآید. تمامی این‌ها در سایه‌ی گسترش روزبه‌روز رسانه‌ها اتفاق می‌افتد به‌گونه‌ای که دیگر امروزه می‌توان گفت که زندگی بدون وجود رسانه‌ها غیرممکن به نظر می‌رسد. رسانه در لغت به معنای رساندن است و در اصطلاح وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد جامعه و واسطه‌ی عینی و عملی در فرایند برقراری ارتباط است. اکنون مصداق این تعریف وسایلی مانند: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، تریبون، ماهواره، اینترنت و ... می‌باشد.

یادگیری کودکان از رسانه‌ها

کتاب اولین رسانه جمعی کودک است. وقتی که پدر یا مادر هنگام خواب داستانی را برای کودک خود می‌خواند او را با کتاب آشنا می‌کند. پس از کتاب، دومین رسانه که کودکان از آن بهره می‌برند تلویزیون می‌باشد. در اینجا به یادگیری کودک از تلویزیون به‌عنوان یکی از ابتدایی‌ترین رسانه‌هایی که کودک با آن سروکار دارد می‌پردازیم. اولین تجربه‌ی مستقیم کودک با تلویزیون عموماً از دوسالگی شروع می‌شود. در آغاز احتمالاً کودک به شنیدن برنامه‌ای می‌پردازد که شخص دیگری آن را گرفته است؛ اما دیری نمی‌پاید که کودک خود شروع به کشف جهان تلویزیون می‌کند و به سلیقه‌ها و ارجحیت‌ها خاص خود شکل می‌دهد. در سه‌سالگی کودک می‌تواند برای انتخاب برنامه‌ی موردعلاقه‌اش فریاد بکشد. احتمالاً این برنامه‌ها، برنامه‌های کودکان هستند؛ یعنی به‌عنوان برنامه‌های تلویزیونی کودکان شهرت یافته‌اند. حال تردیدی نیست که کودک از تلویزیون چیزهایی یاد می‌گیرد. حداقل والدینی که می‌بینند کودکان گفتار و رفتار و اسامی را تکرار می‌کند و چیزهایی را درخواست می‌کند که همه‌ی آن‌ها را از طریق تلویزیون تجربه کرده‌اند، در یادگیری کودک از تلویزیون شکی ندارند.

اهمیت تربیتی رسانه‌ها

رسانه‌ها، به سبب ویژگی‌های ممتازی که نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرایند تربیت انسان دارند، دارای اهمیت چشمگیری هستند. قدرت رسانه‌ها نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرایند تربیت انسان، آن‌قدر مهم است که برخی معتقدند رسانه‌ها قادرند نسل جدیدی در تاریخ انسان به وجود آورند، نسلی که از لحاظ رفتار و افکار و نحوه تعامل با دیگران، با نسل‌های پیشین تفاوت داشته باشند. مارشال مک لوهان، یکی از مشهورترین جامعه‌شناسان کانادایی و از بزرگ‌ترین متخصصان مسئله ارتباطات جمعی، چنان اهمیتی برای وسایل ارتباط جمعی قائل است که آن‌ها حتی مهم‌تر از اندیشه دینی یعنی محتوای این ارتباط می‌داند.

برای دانلود فایل مقاله روی آیکون مقابل لمس کنید.



جنگ رسانه‌ای

محمدامین غالبی

امروزه

با پیشرفت تکنولوژی و گسترش استفاده از گوشی‌های هوشمند، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مختلف نیز افزایش روزافزونی داشته است. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و مردم ایران نیز از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند؛ اما نکته قابل توجه این است که بیشتر این شبکه‌های اجتماعی متعلق به کشور آمریکا است یا تحت کنترل آن‌هاست. امروزه عملیات نظامی به دلیل داشتن هزینه‌های زیاد و خسارت‌های مختلف از رده خارج شده است، اما دشمن از ابزار خطرناک‌تر و مخرب‌تری بهره می‌گیرد. رسانه و جنگ رسانه‌ای.

جنگ رسانه‌ای یعنی شبکه خبری بی‌بی‌سی از شهروندان انگلیسی برای پخش خبر پول دریافت نماید اما در مقابل اخبار فارسی را فی سبیل ا... و رایگان پخش کند. این بدان معنی است که شبکه بی‌بی‌سی ابزاری است (با هزینه سعودی‌ها و لندی‌ها) تا اخبار را به گونه‌ای پخش کند که به نفع آن‌ها و علیه ایران باشد. طی جدیدترین اقدام آمریکا در راستای جنگ رسانه‌ای، پایگاه‌های اینترنتی شبکه‌های تلویزیونی العالم، المسیره، الکوثر و ... بسته شدند. به گفته‌ی بسیاری از تحلیل‌گران، اقدام مذکور شیخونی رسانه‌ای بوده که قطعاً باهدف مشخصی صورت گرفته است. خب به نظر شما این به چه معناست؟ آیا جز پایمال کردن قوانین بین‌المللی، تحریم رسانه‌ای و خاموش کردن صدای مخالفان آمریکاست؟ چرا ما باید به گزافه‌های شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی که توسط دولت‌های عربی تغذیه می‌شوند گیوش کنیم، درحالی که خودشان در کشور دیگری هستند و از دور زوزه می‌کشند و اصلاً به درد و رنج مردم توجهی ندارند. آن‌ها پول دریافت می‌کنند تا از مشکلات مردم برای تخریب نظام استفاده کنند. در این بین عده‌ای ساده‌لوح صحبت‌هایی را می‌شنوند و باورش‌شان می‌شود. جنگ امروز جنگ نظامی نیست (باینکه داشتن اقتدار نظامی بسیار مهم است) بلکه جنگ رسانه‌ای (و اقتصادی) است. منتهی بمب‌های این جنگ دیگر صدا ندارند. برای همین کسی با صدای بوق آژیر قرمز بیدار نمی‌شود. کسی متوجه نمی‌شود هدف قرار گرفته شده و تحت تأثیر قرار گرفته است. سلاح این جنگ رسانه‌ها هستند که به مراتب قدرت تخریبی بیشتری نسبت به ادوات جنگ دارند. در این جنگ تنها راهی که می‌توان به وسیله آن مقابل دشمن ایستاد، آگاه ساختن مردم است. البته آگاه ساختن مردم از فتنه‌های دشمنان قبل از این‌ها مورد توجه دین بوده تا جایی که امام حسین (ع) حاضر شد برای آگاه ساختن مردم از ناکارآمدی و فاسد بودن یزید، جان و مال خودش را فدا کند. امروز دشمن در این جنگ (جنگ رسانه‌ای) از ناآگاهی و ساده‌لوح بودن عده‌ای استفاده می‌کند. در مقابل باید کسی باشد که به مردم بگوید در جنگ رسانه‌ای هدف، سلاح، گلوله، ضدگلوله، دوست و دشمن و ... کدام‌ها هستند. ما به عنوان دانشجو بخشی از این وظیفه را بر عهده داریم. یک جوان دانشگاهی و انقلابی این است که با توکل بر خدا، اولاً آگاهی خودش را در زمینه رسانه و شبکه‌های اجتماعی افزایش دهد، سواد رسانه خود را بیافزاید، از هر امکانات و فرصتی برای آگاه ساختن هم‌وطن خود بهره گیرد.



تقریباً می‌توان گفت که تمام کشورها با مفهوم «حجاب» آشنایی دارند. هرچند که در میان ملت‌ها و ادیان مختلف این کلمه مفاهیم مختلفی دارد و برخی مسلمانان به جهت سنت خود و غیرمسلمانان نیز به عنوان پوشش از آن استفاده می‌کنند. طی سال‌های اخیر نیز بسیاری از زنان سراسر جهان به‌ویژه ساکنان کشورهای غربی، به طرق مختلف به این عنوان روی آورده‌اند. از گرایش بسیاری از زنان اروپایی و آمریکایی به اسلام تا تمایل مسیحیان و یهودیان به پوشش یا حجاب، همگی حاکی از بروز تحولی در دنیای غرب است.



باعث شده سالانه ۳۰۰ زن جان خود را از دست بدهد و به قتل برسد، قاچاق انسان سومین صنعت پرسود در دنیا است، تنها امسال در فرانسه ۱۳۷ زن به وسیله همسران خود کشته شده‌اند، در مهد آزادی‌ها و در کشور هلند محله‌هایی چون هلند برای تن‌فروشی وجود دارد که کاملاً قانونی فعالیت می‌کنند و هزاران مثال دیگر...

امروزه زنان جامعه غربی کم‌کم پی به ماهیت حرکات آزادی زنان برده و در جهت نفی آن برآمده‌اند. بانوان مسلمان ایرانی هم که تازه اول راه هستند، بهتر است به نگاه و حرکت پدیده‌هایی همچون خانم ووس و صدها زن در قلب اروپا و آمریکا توجه کنند قبل از آنکه نقش‌های بزرگ اجتماعی زنان از دست‌رفته و تبدیل به نگاه جنسیتی شود.

**فدراسیون
ژیمناستیک آلمان
بیان کرده که اقدام
سارا ووس به‌منزله مخالفت با
ایجاد جاذبه جنسی در ورزش
ژیمناستیک است و افزوده که
این مسئله برای جلوگیری از
سوءاستفاده جنسی بسیار
مهم است.**

سارا ووس، ژیمناست آلمانی با انتخاب لباسی تمام پوشیده (full-body-suit) در مسابقات ژیمناستیک هنری اروپا شرکت کرد. او قصد داشت با نگاه جنسی به زنان ورزشکار مقابله کند.

تاکنون زنان تنها به دلایل مذهبی اندام خود را در مسابقات بین‌المللی می‌پوشاندند اما این ورزشکار آلمانی گفته که به تصمیم خود در مورد انتخاب لباسش برای این مسابقات افتخار می‌کند و فدراسیون ژیمناستیک کشورش هم از این اقدام او حمایت کرده است. فدراسیون ژیمناستیک آلمان بیان کرده که اقدام این ورزشکار به‌منزله مخالفت با ایجاد جاذبه جنسی در ژیمناستیک است و افزوده که این مسئله برای جلوگیری از سوءاستفاده جنسی بسیار مهم است.

این نگاه را باید مقایسه کرد با عده‌ای فعال حقوق زنان در دنیا و به‌ویژه کشورمان که گمان می‌کنند حجاب داشتن و تعریف ساختارها و قوانین حقوقی برای زن یعنی نابرابری! تا می‌توانند با این امر مبارزه می‌کنند تا دیگر کسی نگاه جنسیتی به آن‌ها نداشته باشد؛ مکاتب مختلف انحرافی همچون فمینیسم که بایان شعارهایی همچون «بدن من حق من، پوشش من انتخاب من» و... سعی در احیای نگاه انسانی به زنان دارند.

اما واقعیت این است که آن‌ها به اسم آزادی زن را از جایگاه انسانی به جایگاه جنسی تنزل داده‌اند که اگر این‌گونه نبود امروزه زنان بسیاری همچون سارا ووس پس از سال‌ها به این نتیجه نمی‌رسیدند که بزرگ‌ترین خیانت را به زنان همان‌هایی انجام داده‌اند که هر نوع حضور رسانه‌ای و ورزشی و هنری زن را منوط به حضور جنسی کرده‌اند،

همان‌ها که مدافع حقوق زنان هستند اما هیچ موضعی نسبت به آمار کشته شدن هر سه روز یک‌بار یک زن ایتالیایی در محیط خانه و زناشویی ندارند؛ باید باور کنیم حقوق زن به معنای غربی و فمینیستی آن فقط در نوشته‌هاست چراکه بانوان در فرانسه از مردان هم‌ردیف خود ۳۰ درصد کمتر حقوق می‌گیرند، خشونت‌ها در آلمان

ایران فرد

کسی که دارای ذهن فقری باشد در پی اثبات برتری شهری نسبت به شهر دیگر است.

در شماره پیشین شمارا دعوت به سفر به شهر یاقوت سرخ ایران کردیم و در این شماره به معرفی شهر ابهر در استان زنجان می پردازیم.

نام قدیم این شهر اوهر بوده است که مردم محلی به آن آبَر می گویند و زبان مردم ابهر آذری و لهجه ابهری می باشد که زبان بختیاری در برخی خانواده ها نیز رایج است.

این شهرستان در ۸۵ کیلومتری از مرکز استان است که به علت

همجواری با استان قزوین

و داشتن آبوهوای مناسب

و قرار گرفتن در کنار جاده

بین المللی تهران-بازرگان و جاده

ترانزیت از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی مطلوبی برخوردار است.

نخستین خانه های این شهر، در تپه های باستانی

به نام تپه قلعه است که در کنار ابهرود جای

دارد که محل سکونت جماعت های آغازین بوده که به

اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد باز می گردد.

و از افراد برجسته این شهرستان به غلامعلی خاکسار ابهری

شاعر و نویسنده معاصر و اثیرالدین ابهری که از دانشمندان سده

ششم و هفتم است می توان نام برد.

از جاذبه های مذهبی به امامزاده محمد و امامزاده اسماعیل و شاه زاده

زید الکبیر و پیراحمد زهر نوشذکه در حال حاضر موزه باستان شناسی

این شهرستان می باشد می توان اشاره کرد و از جاذبه های تاریخی این

شهر دیدنی به مسجد جامع قروه و روستای درسجین که تاریخچه احداث

روستای درس جین به پیش از اسلام و هزاره های قبل میلاد باز می گردد

می توان اشاره کرد.

از سوغات این شهرستان به انگور و گلابی و بادام و گردو که از مرغوب ترین

محصولات شناخته شده در کشور و نان روغنی که از آن به آردک معروف

است می توان نام برد.

و از شما دعوت می کنیم که به این شهر سفر کنید و لذت

ببرید.





❖ اختصاص مرکزی برای تربیت تخصصی معلم، ریشه صدساله در کشور دارد و می‌توان دانشگاه فرهنگیان را وارث تجربیات صدساله تربیت معلم در ایران، البته به روش تخصصی و پیشرفته نامید. ❖

از نعماتی است که روح خسته و مرده افراد را سرزنده و شاداب می‌سازد و آدابی دارد؛ آدابی که در آن باید عدالت و تناسب نسبی با سایر سازمان‌ها رعایت گردد و مابین کارکنان وزارتخانه‌ها تفاوت فاحشی وجود نداشته باشد. مدارس، محل خدمت ما معلمان است و نگه‌داری و مراقبت از آن بر عهده تمامی افراد موجود در آن است. هدف از سفر، دوری از مشقت و سختی روزمرگی شغل است؛ درواقع رفتن به جایی است که دغدغه تعارف و تقید با آشنایان و همکاران را در آن نداشته باشی.

در لسان مقام معظم رهبری، بارها دانشگاه فرهنگیان مهم شمرده شده و فرموده‌اند که معلمان مسئولیت سنگینی در زمینه تربیت نسل آینده بر دوش دارند؛ اما همواره دغدغه‌هایشان با وعده‌های دور و دراز پاسخ داده می‌شود؛ و سرمایه‌گذاری مناسبی نسبت به آن‌ها صورت نمی‌گیرد. این فضا باعث دل‌زدگی دانشجو معلمان شده است؛ آن‌ها وارد دانشگاه می‌شوند و منتظرند که دوره آن‌ها خیلی زود تمام شود؛ همچو پرنده‌ای در قفس پرواز کنند و از دانشگاه بروند!

اکنون به صراحت و با صدای رسا و قلمی که تنها داشته‌ام است؛ می‌گویم که این دانشگاه بیمار است! بیمار کم‌لطفی‌ها و بی‌توجهی‌ها است، این دانشگاه باوجود اینکه بخش اعظم و کلیدی جامعه را در خود جای داده؛ اما به جای معلمانی شاداب، مسرور و باروحیه؛ معلمانی افسرده، غمگین، گوشه‌گیر و با کمترین سواد وارد جامعه می‌کند؛ که نتیجه این حرکت نه در یکی دو سال، بلکه سال‌ها و نسل‌ها باقی خواهد ماند. معلمی که نتواند شاد زندگی کند، جوانی کند، از حق خود دفاع کند، جنب و جوش داشته باشد؛ نمی‌تواند دانش‌آموزانی با تفکر وسیع، شاد و درنهایت نسل‌هایی توانمند تربیت کند.

دانشگاه فرهنگیان را از حالت دبیرستان گونه و بیمار خارج کنید! به معلم‌ها اجازه شاد زیستن و فرصت جوانی بدهید؛ با حرف‌ها، اعتقادات و عملکردهای خود تیشه به ریشه عشق و علاقه آنان به شغل شریف معلمیت زنید! بگذارید مجموعه فرهنگیان نیز لایق به یدک کشیدن واژه دانشگاه باشد...

دانشگاه فرهنگیان، در لسان مقام معظم رهبری بارها تحت عنوان یک دانشگاه مهم ذکر شده است؛ اما باوجود این، دانشجو معلمان از مشکلات فراوانی رنج می‌برند که ناشی از مهم نبودن این دانشگاه برای مسئولان است.

وقتی سخن از دانشگاه فرهنگیان می‌شود؛ نباید از لفظ دانشگاه استفاده شود؛ چراکه از فاکتورهای دانشگاه چیزی در بساط ندارد. اگر اندکی از دغدغه‌های اساسی دانشجویان از جمله غذاهای بی‌کیفیت باقیمت ۱۰ برابر سایر دانشگاه‌ها، پسا اسکان لشکری در اتاق چندمتری، گام را فراتر بگذاریم؛ در کم‌دی‌ترین حالت ممکن، متوجه کمبودهایی می‌شویم که علی‌رغم ضروری بودنشان، به باد فراموشی سپرده شده‌اند. نبود حداقل امکانات و برنامه‌های تفریحی- ورزشی، وجود باشگاه‌های قوطی کبریتی با گنجایش یک‌صدم دانشجویی، البته آن هم با کمترین تجهیزات و با وضعیت نامناسب، اداره دانشگاه و فضای آموزشی با همان تجهیزات قدیمی چند دهه پیش، باعث شده است که این مجموعه، مسیری دراز و رویاگونه در جهت تحقق معیارهای دانشگاهی داشته باشد.

کمترین درخواست دانشجویان از این مجموعه، برگزاری جشن یادبودی برای تکریم جایگاه معلم و یا حتی در فروتن‌ترین حالت، برگزاری مراسمی برای روز دانشجو می‌باشد؛ که هیچ‌کدام به اندازه سایر دانشگاه‌ها تحقق نمی‌یابد. عدم وجود مکانی برای استراحت دانشجویان در زمان‌های بین کلاسی، نبود برنامه‌های مسافرتی که در متواضع‌ترین حالت ممکن به اماکن داخل استانی است؛ ازجمله ویژگی‌های دانشگاه فرهنگیان است که این مجموعه را از سایر دانشگاه‌های دولتی متمایز می‌کند!

البته قابل تأمل است که تمامی این مسائل و کمبودها، محدود به زمان ۴ ساله دانشگاه نمی‌شود؛ و معلمان بعد از ورود به مدرسه نیز مجدد به شکل ناعادلانه‌ای خرد می‌شوند؛ چراکه از هیچ حق سفر و تفریحی برخوردار نمی‌شوند و جالب اینکه عده‌ای، این مسائل را کسر شأنی برای معلم می‌دانند که خفت و خواری این قشر را به دنبال دارد!!! سفر و تفریح

خوابگاهی‌ها! گویی الهی عدالت در این جلسه در خواب ناز تشریف داشته! شاید هم در موقع تصمیم‌گیری زمین کج شده و تعادل ترازوی عدالت به‌هم‌خورده! خلاصه ناعادلانه‌ترین صورت جلسه به امضا آقایان رسید و این وسط شورای صنفی ماند با کوله باری از خستگی مطالبه‌گری بی‌نتیجه و سختی جواب‌گویی به چشمان دانشجویانی که بعد از این همه دوندگی توقع عادلانه شدن کسورات را داشتند! دوراهی سختی بود... ماندن و پیگیری کردن و بیشتر پایمال شدن زیر چکمه‌ی افرادی که اعتقادی به صنفی ندارند، یا رفتن از جایی که ارزشی برایت قائل نیستند و گوش جان سپردن به انواع قضاوت‌ها! خلاصه این دوره از شورای صنفی راه دوم را برگزید تا هم نشان دهد شورای صنفی سیب‌زمینی نیست! و هم راه را برای صنفی‌های سال‌های بعدتر باز تر کند...

به امید روزی که این شکل بسیار مهم و دارای ارتباط عمیق با بطن زندگی دانشجویی به یکی از قدرتمندترین تشکلهای دانشگاه تبدیل شود.

به امید آن روز...

دانشگاه بنا نهند با اسم شورای صنفی! و بدین‌سان شورای صنفی مظلوم فرهنگیان در آغوش جماعتی که اعتقادی به بودنش نداشتند؛ متولد شد. شورای صنفی قصه‌ی ما با وجود کم لطفی‌ها شروع به راه رفتن کرد و پرچم نا عدالتی بحث کسورات و عدم تناسب آن با امکانات موجود را در دست گرفت! سرانجام از دیدار با نمایندگان مجلس تا نامه به انواع دیوان‌ها و بر عهده‌داران عدل و داد کشور، با تعیین مرز کسورات بیست درصد توسط مجلس، تک‌سوی امیدی در شبستان آرزوی این تشکل مظلوم روشن شد و بحث کسورات به بن‌بست جلسه‌ی هیئت‌امنا رسید! بالاخره بعد از چشم دوختن فراوان به در جلسه‌ی هیئت‌امنا؛ بالاخره به حول و قوه‌ی الهی این در باز شد و آقایان، در کرسی مربوط به خود نشستند تا در مورد کسورات تصمیم‌گیری کنند و ناگفته نماند؛ نماینده‌ی شورای صنفی هم در این جلسه برای ارائه‌ی پیشنهادها در مورد کسورات حضور داشت تا نکند تیر این جلسه‌ی مهم خطا رود! ولی برخلاف انتظارات، نانی که از تنور این جلسه بیرون آمد رنگ و بوی عدالت نمی‌داد! از ارتقای کسورات تابستان به بیست درصد و مساوی شدن کسورات بومی‌ها و

خدا حافظا صنفی

لیلا ابوطالبی

از هر چه بگذریم سخن کسورات و حقوق خوش‌تر است...

بحث و دغدغه‌ی مسئله‌ی کسورات از آغاز تولد دانشگاه فرهنگیان در ذهن مبارک دانشجومعلم‌ان بوده، هست و خواهد بود. البته اگر این دغدغه‌ی گران را ریشه‌یابی کنیم به گره‌های جالبی می‌رسیم؛ از عدم تناسب کسورات انجام‌شده با امکانات موجود تا کسوراتی فراتر از نرخ دانشگاه‌های دولتی! گویی مشکلات صنفی- رفاهی دانشگاه فرهنگیان همچون ابری تیره بر آن سایه افکنده و اجازه‌ی نفوذ نور رشد و بالندگی به آن نمی‌دهد! اما در گذر این تاریخ پر از فراز و بیشتر فرود دانشگاه فرهنگیان، عده‌ای دورهم جمع شدند و برای زدن مارک دانشجو سالاری به روی پیشانی مبارک خود، کاسه‌ی چه کنم چه کنم در دست گرفتند و ناگاه یک جرقه‌ی نامبارکی در ذهنشان خودنمایی کرد و به این نتیجه رسیدند تشکلی در



نگار رشیدی

وزون

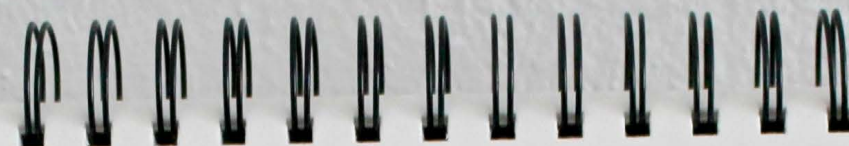
و عشقی هم بر این قلبم نهشته
که عاشق می شود از راه دیده!
سرشته مهر او در این گل من
گیت میندازه و شوخی نداره
مراقب باش به وقت ناقص نگردی!
از سبیر قیمتش شد سالمان زار!
پسر در گیر پهل پیش باشد؟!
دهد پهل جهازی که گرانه؟!
که آن هم وزن یک کیله باشد!
چرا گشته پشیمان، فرد عاقل؟!
پویدش ره به بالندگی را
شوند افسرده و بی حالان!
چوبی پهل، زندگی عمر آتوانند!
و تضمین کن همی آینده ات را!
بگردد وصل، شود آبی بر آتش

به نام او که جانم را سرشته
و قلبم را بجهری آفریده
نهشته نام یک کس در دل من
ولی فب عاشقی هم وقتی داره
چو سبیر قیمت یک خانه کردی،
و ده میلیون و نیم هم پهل تالار
چرا اخرج عروسی پیش باشد؟!
چرا باید پدر در این زمانه
حالا یک مشکلم مهریه باشد
چرا آخر تاهل گشته مشکل؟
کمی آسان بگیرد زندگی را
اگر این گونه باشد این جوانان
همی دختر-پسر سینگل بمانند
حمایت کن پدر جان، بچه ات را
الهی ازدواج و مشکلاتش



امید باید باشد

فائزه ایمانی



بعضی وقتا دلم می خواد همه چی رو ول کنم.
برم یک گوشه دور افتاده توی این زمین خالی. نه کسی رو بشناسم نه منو بشناسن.
یک کار ساده انجام بدم. از این کارهای ساده وی اسم و رسم، اما واقعی واز ته دل!
مثلا خادم یک امام زاده یا مسجد کوچک می شدم. از این امام زاده های ثقلی وی نام و نشون اما با صفا.
حیاط شو جاروی زدم. گردگیری می کردم. می نشستم قرآن و کتاب دعا ها رو مرتب می چیدم.
یا منگمی شدم پرستار خانه سالمندان.
با ماما بزرگ. بابا بزرگ هاجر ف می زدم. درد دل هاشون رومی شنیدم. دستاشون می بوسیدم
اصلا نکوکر همشون می شدم.
یا می شدم پرستار خانه بجزیستی کودکان.
با هاشون بازی می کردم. واسشون کتاب می خوندم. بچشون می گفتم که جان زن. چون تو دنیا همه
اتفاق هادلنشین نیستن!
بچشون می گفتم خوشحال باشن. بدوان. پرواز کنن. آرزو کنن. بزرگ شن و زندگی کنن. بچشون
می گفتم که تو این دنیا خیلی چیز از دست من و شما ها خارج. ولی یادتون باشه خدا همیشه پیشتونه و
مراقبتونه.
منظورم از این حرفا این بود که رفیق!
زندگی باید اینجوری باشه ساده. مفید. دلخواه.
یک جوری که خیرت به مردم و خودت برسه.
حالا ما چیکار می کنیم؟!
از صبح تا شب دور خودمون می گردیم و ناله می کنیم. اونقدر می گردیم و می گردیم که می خوریم به هم. زخمی
میشیم. از پامیافتیم.
از هم دور میشیم. وقتی هم که دور میشیم. تنها میشیم.
تنها هم که باشیم وحشت می کنیم از خودمون! باز بدو بدو برمی گردیم سمت همدیگه. این بار محکم تر به
هم می خوریم.
باز دور میشیم.
نزدیک میشیم.
دور و نزدیک.



جایگاه پرآوازه بود...

۲۷ تیر ۱۳۶۷ ش

اعلام پذیرش رسمی قطع نامه ۵۹۸
شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷ ش)